

# اقتصاد تعاونی و سودای استقلال

پرویز فاتحی

بخش تعاون در برگیرنده مجموعه فعالیت های اقتصادی - اجتماعی است که به شیوه جمعی و با مدیریت از نوع تعاونی اداره می شود. فعالیت های این بخش معطوف به تولید کالاها و خدمات برای عرضه به بازارهای داخلی و بین المللی است.

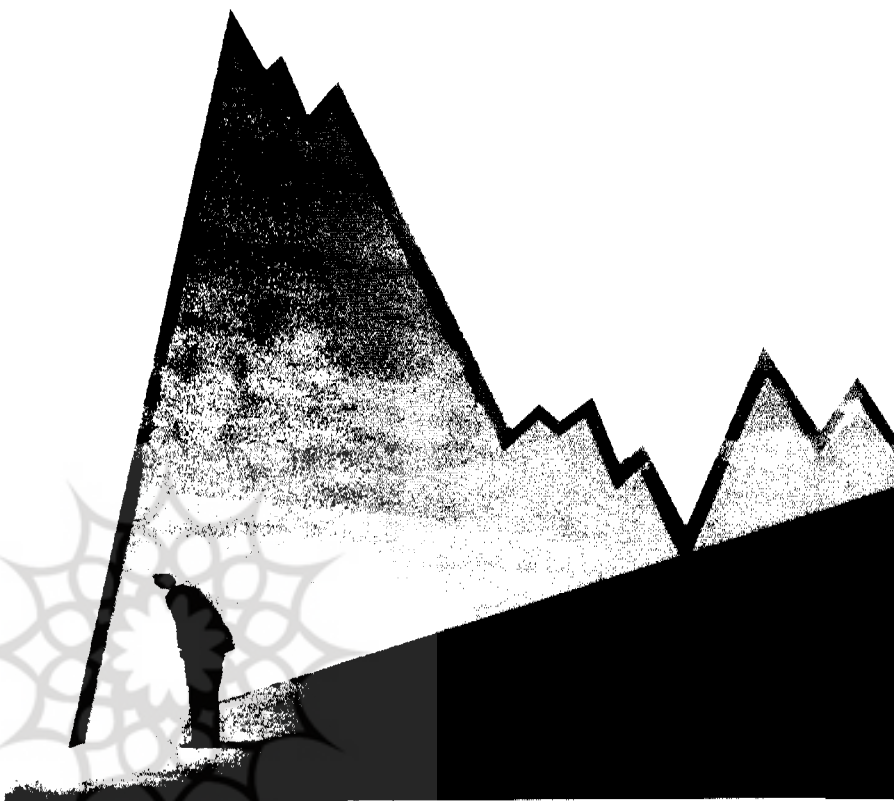
در نهادسازی تعاونی کشور شرکت های تعاونی و اتحادیه های تعاونی استانی و سراسری، کارگزاران و موسسات اصلی بخش تعاون محسوب می شوند. وزارت تعاون، ادارات کل تعاون استان ها، صندوق تعاون و شعب آن، اتاق تعاون و شعب آن، مرکز آموزش عالی تعاون و شعب آن، سازمان مرکزی تعاون روستایی و ادارات آن در استان ها (در حوزه تعاونی های روستایی

در مقایسه با بخش دولتی که در آن شیوه سازماندهی، براساس سلسله مراتب و روابط آمر و مامور بنیانگذاری شده است، شیوه اداره تعاونی ها دموکراتیک است و در مقایسه با بخش خصوصی که انگیزه فعالیت های آن اساساً سود است، در تعاونی ها انگیزه اصلی، تامین نیاز و تحقق هدف های مشترک با تکیه بر مشارکت و همکاری های آزادانه اعضاست. تعاونی ها مانند بخش خصوصی فعالیت شان در عرصه بازار صورت می گیرد و بنابراین در معرض فشار رقابت و ورشکستگی و الزامات آن از جهت کاهش هزینه ها و افزایش کارایی - و قاعدتاً شکل گیری ساختارهای زیستمند و پویا - قرار دارند. با این تعبیرات

تعاونی یک موسسه غیردولتی است که از طریق اتحادیه داوطلبانه اشخاص برای تامین نیازها و هدف های مشترک شان تاسیس می شود. به لحاظ مالکیت افراد بر ابزار تولید مشابه بخش خصوصی است، اما از جهت تامین نیازها و هدف های مشترک از منطبق اقدامات جمعی و اموری نظیر تامین کالاها و عمومی و منفعت عمومی که در حوزه فعالیت های بخش دولتی مصداق دارد، تبعیت می کند. در همین حال چون موسسات تعاونی مانند دولت دارای قوه قاهره و اجبار مشروع نیستند، برای تامین منافع مشترک تعریف شده، مکانیسم مشارکت داوطلبانه باید جایگزین قدرت مالیات ستانی دولت شود.

و تولید کشاورزی) و وزارت جهاد (در حوزه تعاونی های فرش و عشایری) امور ستادی و حاکمیتی مرتبط با بخش تعاون را عهده دارند. شرکت های تعاونی، شرکت هایی هستند که با رعایت مقررات قانون بخش

ارزش های نهاد تعاونی: در بیانیه اتحادیه بین المللی تعاون خودیاری، دموکراسی، برابری، انصاف و اتحاد به منزله ارزش های نهاد تعاونی و صداقت، آزادی، مسئولیت پذیری اجتماعی و دگرخواهی به



تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۷۰) و اصلاحیه آن (مصوب ۱۳۷۷) به ثبت رسیده باشند یا به ثبت برسند. اتحادیه های تعاونی با عضویت شرکت ها و تعاونی هایی تشکیل شده یا می شوند که موضوع فعالیت آنها واحد است (مواد ۲ و ۴۳ قانون بخش تعاونی). اتحادیه بین المللی تعاون ۱ در بیانیه ۱۹۹۵ خود نهاد تعاونی را چنین تعریف می کند: تعاونی اجتماع داوطلبانه و مستقل اشخاص است که به منظور تأمین نیازها و هدف های مشترک اقتصادی \_ اجتماعی و فرهنگی خود از طریق موسسه ای با مالکیت مشاع، با شیوه اداره و کنترل دموکراتیک، با همدیگر متحد شده اند.

منزله ارزش های اخلاقی اعضای تعاونی ها تصریح شده است و برای تحقق آن، اصول و رهنمودهای هفت گانه زیر مطرح گردیده است: ۱ \_ عضویت اختیاری و آزاد ۲ \_ اداره امور با نظارت و همکاری اعضا ۳ \_ مشارکت اقتصادی اعضا ۴ \_ خودگردانی و عدم وابستگی به دستگاه های دولتی ۵ \_ اطلاع رسانی و ارائه آموزش های تعاونی و تخصصی به اعضا ۶ \_ همکاری بین تعاونی ها ۷ \_ توجه به توسعه پایدار و مصالح جامعه در این تعریف و مجموعه ارزش ها و رهنمودهای ارائه شده بر چند مطلب مهم تکیه شده است: - تعاونی یک نهاد مستقل است. اهمیت این مطلب از آن جهت است که

در قوانین تعاونی کشورها عموماً برای تقویت و گسترش نهاد تعاونی امتیازات، تسهیلات، معافیت های مالیاتی و شکل های گوناگونی از حمایت های مالی پیش بینی می شود و بنابراین باید در عین حال تمهیداتی نیز در جهت جلوگیری از مداخله مستقیم و غیرمستقیم دستگاه های دولت در امور مدیریتی تعاونی ها در نظر گرفته شود زیرا این مطلب منافی اصل استقلال، خودگردانی و خوداتکایی در سازماندهی تعاونی ها است. در همین زمینه در مواد ۷۳ و ۱۷ قانون بخش تعاونی جمهوری اسلامی ایران پیش بینی های زیر به عمل آمده است: «ماده ۳- دولت موظف است با رعایت این قانون و در حد مقررات به گونه ای که زمینه اداره یا دخالت در اداره تعاونی ها یا کارفرمای مطلق شدن دولت فراهم نیاید با بخش تعاونی همکاری نموده و امکانات و تسهیلات لازم را با هماهنگی وزارت تعاون در اختیار آنها قرار دهد.» «ماده ۷- شرکت ها و اتحادیه های تعاونی دارای شخصیت حقوقی مستقل هستند.» «ماده ۱۷- شرکت های تعاونی شرکت هایی است که تمام یا حداقل ۵۱ درصد سرمایه به وسیله اعضا در اختیار شرکت تعاونی قرار می گیرد و وزارتخانه ها، سازمان ها، شرکت های دولتی وابسته به دولت و تحت پوشش دولت، بانک ها، شهرداری ها، شوراهای اسلامی کشوری، بنیاد مستضعفان و سایر نهادهای عمومی می توانند جهت اجرای بند ۲ اصل ۴۳ از راه وام و بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر از قبیل مشارکت، مضاربه، مزارعه، مساقات، اجاره، اجاره به شرط تملیک، بیع شرط، فروش اقساطی و صلح، اقدام به کمک در تأمین یا افزایش سرمایه تعاونی نمایند بدون آنکه عضو باشند.» «تبصره- در مواردی که دستگاه های دولتی در تاسیس شرکت های تعاونی شریک می شوند ظرف مدتی که با موافقت طرفین در ضمن عقد شرکت تعیین

خواهد شد، سهم سرمایه گذاری دولت به تدریج بازپرداخت و صددرصد سرمایه به تعاونی تعلق خواهد گرفت.» بدین ترتیب خودیاری و خوداتکایی، استقلال و خودگردانی از وجوه و ویژگی های مهم موسسات تعاونی است و بنابراین مشارکت با سایر بخش ها به ویژه بخش دولتی نباید منافات و مغایرتی با حقوق اعضای تعاونی از جهت اداره دموکراتیک تاسیسات تعاونی داشته باشد.

- عضویت در تعاونی به اشخاص حقیقی محدود و منحصر نگردیده است و از کاربرد واژه اشخاص در تعریف، هم شخصیت های حقوقی و هم شخصیت های حقیقی اراده شده است. در تعاونی های سطح اولیه در جهان گاهی عضویت به اشخاص حقیقی محدود می شود. لیکن تعاونی های غیر سطح اولیه عموماً از تشکیل مجموعه ای از تعاونی های سطح اولیه پدید می آید و بنابراین اعضای آن را ناگزیر شخصیت های حقوقی تشکیل می دهند. در ماده ۸ قانون بخش تعاونی ایران (سال ۱۳۷۰) عضو چنین تعریف شده بود: «ماده ۸- عضو در شرکت های تعاونی شخصی است حقیقی که واجد شرایط مندرج در این قانون بوده و ملتزم به اهداف بخش تعاونی و اساسنامه قانونی آن تعاون باشد.» لیکن در ماده ۱ قانون اصلاح قانون بخش تعاون (مصوب ۱۳۷۷) ماده ۸ فوق الذکر اصلاح و عبارت «و یا حقوقی غیردولتی» به آن افزوده شده است. بنابراین اکنون عضویت در شرکت های تعاونی کشور قانوناً هم شخصیت های حقیقی و هم شخصیت های حقوقی غیردولتی را در بر می گیرد. رفع این محدودیت قانونی به ویژه از آن جهت حائز اهمیت است که شرکت های تعاونی برای ارتقای کارایی و رویارویی با الزامات بازار ناگزیر باید از طریق مشارکت و انعقاد پیمان های استراتژیک با بخش ها و موسسات دیگر به ویژه با بخش خصوصی و سایر موسسات

تعاونی، زمینه های گسترش پایه عضویت و ارتقای ظرفیت های مدیریتی و سازمانی و ارتباطی و اطلاعاتی خود را فراهم آورده و با دسترسی به امکانات وسیع تر و موثرتر تجهیز منابع و استفاده از نوآوری ها در سایر بخش ها و موسسات با شرایط رقابت در بازار هماهنگ شوند. معطوف بودن نهاد تعاونی به تامین نیازها و اهداف مشترک اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جهت مهم دیگری در تعریف مورد بحث است.

با این تعبیر ویژگی مهم این نوع سازماندهی اقتصادی یعنی تعاونی در مقایسه با شیوه های دیگر سازماندهی و تخصیص منابع، که می تواند در عین حال در حوزه های خاصی نظیر تامین و عرضه کالاها و خدمات عمومی محلی به منزله مزیت مهمی برای تاسیسات تعاونی قلمداد شود، ایجاد پیوند بین نیازها و عرضه کالاها و خدمات است. در نظام های دولتی تخصیص منابع به ویژه در زمینه سرمایه گذاری زیربنایی عموماً بین احتیاجات و خواست ها و خدماتی که عرضه می شود (در اثر نقص اطلاعات) شکاف هایی به وجود می آید که این مطلب بر بازده و کیفیت سرمایه گذاری ها تاثیر گذاشته و موجب اتلاف منابع می شود (شکست دولت). در نظام بازار انتقال اطلاعات براساس قیمت ها انجام می شود و در صورت برقراری یک نظم رقابتی، تولید و عرضه کالاها و خدمات با تقاضای موثر در یک فرآیند پویا منطبق می گردد (حاکمیت مصرف کننده). در همین حال، در شرایط توزیع نابرابر درآمد و ثروت حاصل عملکرد بازار نمی تواند همواره از کارایی

لازم برخوردار باشد. (شکست بازار). اما نهاد تعاونی که توسط اعضا و برای اعضا سازمان می یابد می تواند ارتباط نزدیکی بین نیازها و عرضه کالاها و خدمات برقرار سازد. این نیازها و اهداف می تواند طیف گسترده ای از مقولات متنوع اقتصادی،

اجتماعی و فرهنگی را در بر گیرد. - عضویت و مشارکت داوطلبانه و آزاد و کنترل دموکراتیک توسط اعضا از دیگر ویژگی های مهم تاسیسات تعاونی است که در تعریف مورد بحث و اصول هفتگانه تعاونی جنبه اجباری ندارد و اختیار ماندن یا ترک تعاونی به عهده اعضا سپرده شده است. در ماده ۱۲ قانون بخش تعاونی کشور نیز این اختیار صراحتاً به اعضا داده شده است: «ماده ۱۲ - خروج عضو از تعاونی اختیاری است و نمی توان آن را منع کرد.»

- درباره شرایط عضویت نیز با اصلاحاتی که در سال ۱۳۷۷ در قانون به عمل آمده است این شرایط، به تابعیت جمهوری اسلامی ایران، عدم ممنوعیت قانونی و حجر، خرید حداقل سهام مقرر در اساسنامه تعاونی و ارائه درخواست کتبی عضویت و تعهد به رعایت مقررات اساسنامه محدود شده است.

بدین ترتیب تعاونی ها سازمان هایی هستند که به گونه ای داوطلبانه تشکیل می شوند و ورود به آنها به صورت عضویت برای تمام اشخاصی که بتوانند از خدمات تعاونی استفاده کرده و مسئولیت ناشی از عضویت را بپذیرند بدون تبعیضات جنسی، اجتماعی، نژادی، سیاسی یا مذهبی آزاد است. مشارکت اعضا در تامین سرمایه تعاونی به وجه منصفانه انجام می شود و هر عضو متناسب با سرمایه پرداخت شده، سود محدودی دریافت می کند و مازاد درآمد برای توسعه تعاونی و تقسیم بین اعضا به نسبت معاملات آنها با تعاونی و سایر مصارف، با تصویب اعضا تخصیص می یابد. - وجه مهم دیگر کنترل دموکراتیک یعنی حقوق اعضا از جهت اداره و نظارت بر امور تعاونی از یک سو و مشارکت آنها در تصمیم گیری ها از سوی دیگر است. به همین مناسبت نیز در نهاد تعاونی

**مشارکت اعضا در تامین سرمایه تعاونی به وجه منصفانه انجام می شود و هر عضو متناسب با سرمایه پرداخت شده، سود محدودی دریافت می کند.**

(به ویژه در تعاونی های سطح اولیه) برای هر عضو صرف نظر از سهمش در تامین سرمایه و مالکیت تعاونی یک رای در نظر گرفته می شود.

مواد ۱۰، ۲۰، ۳۰ و ۴۶ قانون تعاونی کشور ناظر به همین موضوعات است. «ماده ۱۰\_ اعضا در کلیه امور تعاونی طبق اساسنامه حق نظارت دارند.» «ماده ۲۰\_ سهم اعضا در تامین سرمایه شرکت های تعاونی برابر است مگر مجمع عمومی تصویب نماید که اعضا سهم بیشتری تادیه نمایند که در این صورت حداقل و حداکثر سهام ها باید در حدودی باشد که وزارت تعاون متناسب با نوع و تعداد اعضای تعاونی ها تعیین می نماید.» «ماده ۳۰\_ مجمع عمومی که براساس این قانون بالاترین مرجع اتخاذ تصمیم و نظارت در امور شرکت های تعاونی است، از اجتماع اعضای تعاونی یا نمایندگان تام الاختیار آنها به صورت عادی و فوق العاده تشکیل می شود و هر عضو بدون در نظر گرفتن میزان سهم فقط دارای یک رای است.» «ماده ۴۶\_ مجمع عمومی اتحادیه های تعاونی از نمایندگان تعاونی های عضو تشکیل می شود و هر تعاونی دارای یک رای است.» - ضمناً در ماده ۲۵ قانون بخش تعاونی کشور، نحوه تقسیم سود خالص در شرکت ها و اتحادیه های تعاونی مشابه با اصولی که تشریح شد مشخص شده است. مطلب دیگری که از مضمون تعریف اتحادیه تعاونی بین المللی می توان استنباط کرد، اصل استفاده اعضا از خدمات تعاونی است. این معنا را عبارت «به منظور تامین نیازها و اهداف مشترک...

خود» به ذهن متبادر می سازد. در قوانین و مقررات تعاونی در کشورها عموماً پیش بینی هایی در جهت استفاده اعضا از خدمات تعاونی به عمل می آید و الزامات و اجبارهایی نیز برای تحقق این مطلب تعیین می شود که گاهی تا حد لغو

عضویت یا حداقل اسقاط حق رای عضوی که از خدمات تعاونی استفاده نکند پیش می رود. این الزامات و اجبارها عموماً با انگیزه هایی نیز همراه است که از جمله می توان به مکانیسم تقسیم درآمد مازاد به نسبت معاملات اعضا با تعاونی اشاره کرد. در مورد تعاونی هایی نیز که نتوانند در سازماندهی فعالیت هایشان بخشی از مبادلات و معاملات خود را با اعضا انجام دهند در نهادسازی های تعاونی کشورها گاهی پیش بینی هایی در جهت لغو امتیازات و یا شیوه های تنبیهی دیگر پیش بینی می شود. در نظر گرفتن بازار برای تعاونی ها طبعاً قدرت رقابت پذیری تعاونی ها را در مقابل نهادهای تولیدی و تجاری در بخش های خصوصی و دولتی افزایش می دهد و تا حدودی در روند فعالیت های تعاونی پایداری و ثبات ایجاد می کند و حداقل به قدرت ادامه حیات این نهادها به ویژه در شرایط نوسانات اقتصادی می افزاید.

- در تعریف مورد بحث تلقی بنگاه یا موسسه در مورد تعاونی تلویحاً این معنا را متضمن است که تعاونی نهادی سازمان یافته و متشکل است که با بازار پیوند دارد و بنابراین قواعد بازار بر کارکرد آن حاکم است و در شرایط رقابت باید با افزایش کارایی و کاهش هزینه ها بتواند به بقای خود ادامه دهد.

تعاونی ها مانند بنگاه های خصوصی در معرض ورشکستگی قرار دارند و در قوانین و مقررات ناظر بر فعالیت های تعاونی ها (در بخش انحلال و تصفیه) عموماً پیش بینی هایی در این جهت به عمل می آید. در

قانون بخش تعاونی کشور نیز شرایط ورشکستگی و تبعات آن در مورد تعاونی ها، مشابه سایر بنگاه ها و شرکت ها پیش بینی شده است. (بند ۶ ماده ۵۴: ورشکستگی طبق مقررات). مکانیسم ورشکستگی در نهاد بازار و

**تعاونی نهادی سازمان یافته و متشکل است که با بازار پیوند دارد و بنابراین قواعد بازار بر کارکرد آن حاکم است و در شرایط رقابت باید با افزایش کارایی و کاهش هزینه ها بتواند به بقای خود ادامه دهد.**

کارکرد های بخش خصوصی در شرایط رقابت نقش تصحیح کننده دارد بدین معنا که شرکت یا موسسه ای که نتواند در یک نظام رقابتی فعالیت خود را ادامه دهد از بازار خارج خواهد شد و این فرآیند به مثابه یک مکانیسم گزینش طبیعی دارویی و بقای اصلح و انطباق عمل می کند زیرا بیرون رانده شدن بنگاه های غیر کارآمد در یک نظم رقابتی سالم به معنای باقی ماندن کارگزاران و بنگاه های کارآمد در بازار و در نتیجه تقویت جریان رشد و کارایی اقتصادی است.

از دیدگاه رقابت و رقابت پذیری پاره ای ویژگی های تعاونی نظیر انتظار سود محدود، پائین بودن قیمت تمام شده به لحاظ حذف واسطه های غیر ضرور، تقاضای تضمین شده از سوی اعضای تعاونی برای کالاها و خدمات تولیدی تعاونی، شیوه های مدیریت تعاونی از دیدگاه مشارکت اعضا تامین سرمایه و اداره امور و نظارت دموکراتیک، جنبه های مثبتی است که کمابیش می تواند در تدویم حیات تعاونی ها در شرایط رقابت تاثیر گذار باشد. در همین حال به کارگیری شیوه های موثر تر مدیریت و سازماندهی، ادغام ها و درهم آمیزی های افقی و عمودی در جهت بهره گیری از صرفه های مقیاس، افزایش قدرت بازار و جلب همکاری با سایر بخش ها به ویژه سرمایه گذاران خصوصی داخلی و خارجی به صورت مشارکت و انعقاد پیمان های استراتژیک می تواند به افزایش قدرت رقابت ها کمک نماید.

در قانون بخش تعاونی، اتحادیه های تعاونی با عضویت شرکت ها و تعاونی هایی که موضوع فعالیت آنها واحد است، یعنی در زمینه ای از ادغام ها و درهم آمیزی های نوعاً افقی، تشکیل می گردند. بنابراین با اصلاح قوانین و مقررات باید چارچوب های حقوقی لازم برای ادغام ها و درهم آمیزی های عمودی که از لحاظ کاهش هزینه ها و کارایی و نفوذ در بازار می تواند بسیار تاثیر گذار باشد، نیز فراهم شود.